



از سالن تاسطر

میان تاریخ‌سازی و فراموشی

حضور فیلمسازان زن در جشنواره فیلم فجر



یکی از وجوه کمتر دیده‌شده حضور فیلمسازان زن، نقش آنها در شکل‌دادن به الگوی اکران عمومی سینمای ایران است. برخلاف تصورات رایج که سینمای زنان را محدود به جشنواره‌های می‌داند، بسیاری از آثار ساخته‌شده توسط فیلمسازان زن توانسته‌اند در چرخه عمومی اکران نیز نقش مؤثری ایفا کنند و مخاطب گسترده‌تری را به سالن‌ها بکشانند.

برای مثال، در دهه ۷۰، فیلم‌هایی همچون «روسری آبی» (رخشان بنی‌اعتماد) و «دو زن» (تهمینه میلانی) نشان دادند که سینمای زنان الزاما سینمای کم‌تماشاگر یا نخبه‌گرایی نیست و فیلم‌هایی با کارگردانان زن و داستان‌های زنانه نیز می‌توانند با تکیه بر روایت‌های انسانی، شخصیت‌محور و قابل همذات‌پنداری، سهم مهمی در حفظ ارتباط با بدنه اجتماعی مخاطبان داشته باشند.

در سال‌های نخستین جشنواره فیلم فجر حضور فیلمسازان زن، حضوری نمادین بود و بیشتر به‌عنوان نشانه‌ای از امکان حضور آنها در سینمای بعد از انقلاب ایران مورد توجه قرار می‌گرفت؛ فیلم‌هایی که با کنجکاوی، مورد توجه مخاطبان بود و با اینکه فجر هنوز زبان تحلیل منسجمی برای مواجهه با این سینما نداشت، صرفا به ثبت حضور این فیلمسازان بسنده می‌کرد؛ حضوری که در دهه‌های بعد تکرار شونده‌تر و در عین حال تأثیرگذارتر شد و جشنواره و داورانش را وادار به تثبیت تدریجی این جایگاه کرد. در این دوره، نقد، پیش از آنکه به زبان سینمایی بپردازد، بر مضامین اجتماعی و جنسیتی تکیه و مکث داشت.

هر چند که حضور فیلمسازان زن در جشنواره‌های فیلم فجر و در یک دهه گذشته، صرفا وابسته به نمودارهای کیفی و کمی نبوده و عوامل دیگر همچون پذیرش شروط این فیلمسازان برای ارائه کار به جشنواره و همچنین اخذ مجوزهای لازم برای تولید فیلم بنا بر سلیقه سینمایی و جامعه‌شناختی تعدادی از فیلمسازان موفق و شاخص در این امر مؤثر بوده، اما بدون شک، جای خالی بخش اثرگذاری از جریان اصلی سینمای ایران یعنی فیلمسازان زن، در جشنواره‌های سال‌های اخیر سینمای ایران مشهود و پدیدار بوده است.

باید سمت حق بایستیم

گفت‌وگو با بابک خواجه‌پاشا، کارگردان «سرزمین فرشته‌ها»



پیش از دیدن فیلم انجام‌شده و صرفا در حکم مدخلی برای آشنایی با فیلم

دنیای کودکان را به تصویر بکشید؛ دنیایی که امید در آن موج می‌زند، به دور از خواری و خشم غریب است بر اندوه / و کودکی که بوسه می‌خواهد و عید». از ۱۷ اکتبر ۲۳ تا امروز که در سرزمین‌شاعر از گشته پشته‌ساخته‌اند، فلسطین از همیشه اندوهگین‌تر است و کودکانش از همیشه مجروح‌تر با زخم‌هایی نلسور و بوسه‌هایی نه از روی شادی که به قصد التیام که پدران و مادران نثار دلبندهانشان می‌کنند و عیدهایی که در سوگ عزیزان از دست‌رفته دیگر بوی عید نمی‌دهد. اما باز به قول درویش، «این سرزمین، پوست و استخوان من است / و قلبم / بر فراز علفزارهایی پسمان زنبور عسل پرواز می‌کند. / بر شاخه‌های نخل مرا بیاویختند / و خفاهم کردند / اما / خوار و / ضعیف و / زار نگشتم.» کودکان فلسطینی قهرمانان فیلم جدید بابک خواجه‌پاشا هستند. خواجه‌پاشا می‌گوید در «سرزمین فرشته‌ها» خوسته

ایده «سرزمین فرشته‌ها» چطور

شکل گرفت؟

من طی ۳سال گذشته به‌شدت در حوزه بچه‌هایی که در جنگ آسیب می‌بینند، دغدغه‌مند بودم، به‌خصوص بچه‌های فلسطین که برای خودم دغدغه بزرگی بود و کاری هم از دست بر نمی‌آید که انجام بدهی. بالاخره زمانی که هر روز می‌بینی و در خودت فرو می‌روی و ناراحت می‌شوی و نمی‌توانی کاری انجام دهی، آقای منوچهر محمدی درباره طرحی با من صحبت کردند. طرح را من مطالعه کردم و به جهان فیلمسازی‌ام نزدیک بود. یک سال‌ونیم روی فیلمنامه زمان گذاشتم و نوشتم و تا به پروسه تولید رسیدم.

بگذارید خیلی ر ک سوآلی پرسم، فیلم

ساختن درباره فلسطین، حالا با هر رویکردی، می‌تواند سوگیری‌ای از جانب برخی افراد در مقابل فیلم ایجاد کند، نگران چنین اتفاقی نبودید موقی که می‌خوستید فیلمی با این موضوع بسازید؟

ببینید من در زندگی‌ام سعی می‌کنم سمت حق و درستی بایستم. قطعاً اگر در کشور خودم همچنین سوزهای را ببینم که رویم تأثیر بگذارد و بتوانم با فیلمم تأثیر مثبتی روی آن بگذارم، حتما وارزش می‌شوم. در قرن گذشته، شاید هیچ تراژدی‌ای در حوزه کودکان مثل غره نداشته‌ایم و وظیفه من است که به‌عنوان انسان دغدغه‌مند در آن حوزه کار کنم.



که بعد از گفت‌وگوهایی که داشتم پذیرفت در این پروژه در کنار ما باشد و خیلی زحمت کشید و او هم در فیلم درخشیده است.

اسم این ستاره را می‌گویید؟

خانم سلاف فواخرچی.

لوکیشن کجا بوده؟

همه فیلم را داخل ایران فیلمبرداری کرده‌ایم.

یعنی دکورها ساخته‌شده؟

بخشی از دکورها را ساختیم و بخشی را به سمت جلوه‌های ویژه کامپیوتری رفتیم و بخشی را با فوتیج‌هایی که از جاهای مختلف داشتیم ساختیم.

آن قدری که داستان فیلم لو نرود، قدری از داستان فیلم بگویید.

داستان فیلم ماجرای زنی است که برای مراقبت از تعدادی کودک با مقاومت و فداکاری‌اش معجزه می‌کند و کارهایی می‌کند که از دست هر انسانی بر نمی‌آید. ولی پیشنهادم این است که اول فیلم را ببینیم و بعد درباره‌اش حرف بزنیم.

فیلمی که در سینمای ما مقاومت فلسطینی‌ها را تداعی می‌کند، «بازمانده» مرحوم سیف‌الله داد است. در آن فیلم هم یک زن نقش اصلی را دارد و تهیه‌کننده آن فیلم هم منوچهر محمدی است. می‌شود تشابهی بین کار شما و «بازمانده» پیدا کرد؟

آن فیلم یک کار تاریخی-سیاسی است و زبان و جهانش کاملاً متفاوت است و بسیار فیلم ارزشمندی است و جنب‌آقای داد به همراه منوچهر محمدی فوق‌العاده را راکار کرده بود. فیلم ما زبان دیگری دارد و یک فیلم کاملاً شاعرانه و لطیف است. وقتی ما از لبنان و فلسطین حرف می‌زنیم، ذهن فقط می‌رود سمت جنگ و درگیری، اما فیلم من درباره جهان کودکان است. من در مورد این صحبت می‌کنم که کودکان در چنین موقعیتی دچار چه بحران‌هایی می‌شوند، نه اینکه من اصلاً نگاهی سیاسی در این فیلم نداشته باشم. بیشتر دغدغه‌ام انسانی بوده.

تجربه منوچهر محمدی که در «بازمانده» کنار سیف‌الله داد بود، چقدر در فیلم شما به کار آمد؟

آقای محمدی به‌دلیل داشتن سواد مکفی سینمایی، مطالعه مکفی، دیدن تعداد زیادی فیلم و خواندن کتاب‌های سینمایی به‌شدت تهیه‌کننده تأثیرگذار و ارزشمندی است. کاش از این تهیه‌کننده‌ها چند تا در کشور داشتیم، به‌خاطر اینکه می‌توانید در کنارش با آرامش کار کنید، می‌توانید بیاموزید و کار هم به راحتی بسازید.

برای اینکه به حال‌وهوایی که می‌خواستید برسید، آیا مثلاً شعرهای محمود درویش را خواندید یا فیلم‌های اباسلیمان و نامتاشا کردید؟ یا اصلاً جهان فیلمتان در دهنانتان شکل گرفته بود و نیازی به چنین کارهایی نبود؟

من ۳سال شاید قریب به اتفاق شعرا و نویسندگان فلسطینی، چه پیش و چه بعد از انتفاضه را مطالعه کردم. با فلسطینی‌ها در کشورهای مختلف مصاحبه کردم تا بتوانم این جهان را درک و به واقعیت نزدیک کنم. فرهنگ غنی‌ای هم داشته و دارم، ولی سعی می‌شود این فرهنگ را از آنها بگیرند. در پروسه تحقیقات به اطلاعاتی رسیدم که سعی کردم در فیلم بیاورم.

شما می‌گویید فیلمتان بیشتر جهان کودکی را به تصویر می‌کشد. چه فیلم یا کتابی هست که برای شما توضیح‌دهنده جهان کودکی است و همیشه در گوشه‌ای از ذهنتان به آن فکر می‌کنید؟

در حوزه سینما فیلم که به‌شدت زیاد است، ولی بگذارید فکتی بیاورم که کارکرد داشته باشد. هر اثری که توانسته ما را با جهان کودکان و واقعیت جهان آنها بیشتر آشنا کند، قطعاً فیلم و کتاب ارزشمندی است. قریب به اتفاق آثار از زاویه بزرگسالان به کودکان نگاه می‌کنند. کودک مثل عروسکی در نگاه بزرگسال قرار می‌گیرد، در هر حوزه، در هر بحران و در هر موقعیت دراماتیکی. وقتی در زاویه کودک قرار

قطعا من هم مثل همه هموطنانم سوگواریم

به‌خاطر اتفاقاتی که برای عزیزانمان در کشورمان افتاده، برای شهیدانی که داشتیم، ولی سینما وظیفه خودش را دارد. جوری روان‌درمانی است برای یک جامعه و وظیفه من این است که فیلمم را بسازم. ارزشمندی ما هم برای اوج کشورمان در هر دورانی وظیفه یک ایرانی است. یعنی هیچ ایرانی‌ای نباید و نمی‌تواند بد کشورش را بخااهد. امیدوار هرچه خیر و خوبی و آرامش است برای مردم و سرزمینمان اتفاق بیفتد و از شر بدان دور باشد

می‌گیری و جهانش را بررسی می‌کنی، شما هم تحت تأثیر قرار می‌گیری و هم می‌توانی اثر درست‌سازی برای مثال، در فیلم «میان‌ستاره‌ای» تویان وقتی واقعا با جهان درست‌آن دختر برخورد می‌کنی و ارتباطش با پدر را کشف می‌کنی، فیلم این‌همه جان پیدا می‌کند. به‌نظم فیلمساز در این فیلم زاویه نگاه یک بچه را پیدا کرده است. اول با جهان آن دختر همراه می‌شویم و بعد همراه جهان پدر می‌شویم که آن قدر انتظار یک شخص برایمان درنکاست. در این فیلم دغدغه ما این دختر است که دوست دارد پدرش برگردد. در کتاب هم چنین است. کتاب‌هایی که چه برای کودکان نوشته شده و چه درباره کودکان، هر کتابی که اندازه نگاه را به سطح کودکان آورده است، به‌نظم من کتاب برنده‌ای است. در حوزه کتاب داستان، «شارده کوچولو» یا مثلاً کتاب‌های محمد پهرنگی را داریم که غنی‌اند.

در مقابل قصه‌هایی را می‌خوانید که نه سر دارد، نه ته و نه چیزی به کودک اضافه می‌کند و فقط پراز سرگرمی است. ما باید در حوزه کودک و نوجوان خیلی غنی کار بکنیم تا بتوانیم تأثیر درستی بگذاریم.

نکته‌ای هست که بخواهید اضافه کنید

به گفت‌وگو؟

امیدوارم که سینمای کشورمان بدرخشد، امیدوارم کشورمان همیشه در آرامش باشد و بهترین روزها برای کشورمان رقم بخورد.

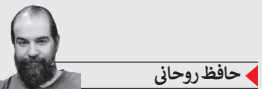
قطعاً من هم مثل همه هموطنانم سوگوارم به‌خاطر اتفاقاتی که برای عزیزانمان در کشورمان افتاده، برای شهیدانی که داشتیم، ولی سینما وظیفه خودش را دارد. جوری روان‌درمانی است برای یک جامعه و وظیفه من این است که فیلمم را بسازم. ارزشمندی ما هم برای اوج کشورمان در هر دورانی وظیفه یک ایرانی است. یعنی هیچ ایرانی‌ای نباید و نمی‌تواند بد کشورش را بخااهد. امیدوارم هرچه خیر و خوبی و آرامش است برای مردم و سرزمینمان اتفاق بیفتد و از شربدان دور باشد.



دیکته و زاویه

مؤخره‌ای بربیک سقوط

فیلم‌های خارج از مسابقه



پدیده فیلم‌های خارج از مسابقه تنها مختص به جشنواره فیلم فجر نیست؛ سنت یا شیوه‌ای است که ردپایش را می‌توان در بسیاری از جشنواره‌های جهانی هم جست‌وجو کرد؛ به‌خصوص در جشنواره‌های بین‌المللی رقابتی موسوم به الف که با گنجاندن چند فیلم عامه‌پسند در بخش خارج از مسابقه تالارهای نمایش‌شان را پر و نظر حامیان مالی‌شان را جلب می‌کنند و از طرف دیگر هم، حربه‌ای است برای بخش‌کنندگان بین‌المللی تا با یک نمایش محدود در یک جشنواره معتبر، هم سروصدایی به پا کنند و از حضور و توجه رسانه‌ها در ایام جشنواره به نفع خود بهره ببرند و هم با بررسی بازخوردها میزان موفقیت فیلم در اکران عمومی را بسنجند.

از طرف دیگر، نمایش این قبیل فیلم‌ها در افتتاحیه و اختتامیه معمول‌تر است تا این فیلم‌ها مقدمه و مؤخره‌ای بر فیلم‌های بخش مسابقه باشند. در کنار فیلم‌های عامه‌پسند گاهی نمایش‌های خارج از مسابقه به نمایش فیلم‌های جدید فیلمسازان شناخته‌شده مربوط می‌شود که به دلایل متعدد از رقابت در بخش مسابقه سر باز می‌زنند اما فیلمشان می‌تواند توجه تماشاگران جشنواره و به تبع آن حامیان مالی را جلب و موفقیت جشنواره را تضمین و حضور حامیان مالی را تثبیت کند.

به‌نظم می‌رسد ۲فیلمی که امسال به‌عنوان فیلم‌های خارج از مسابقه در جشنواره به‌نمایش درآمده‌اند واجدهیچ‌یک از ویژگی‌های بالا نباشند؛ تنها چیزی که نمایش آنها را به آنچه در جشنواره‌های بین‌المللی رقابتی شبیه می‌کنند نمایش آنها به‌عنوان فیلم‌های افتتاحیه و اختتامیه جشنواره است؛ همان مقدمه و مؤخره فوق‌الذکر.

بر این اساس احتمالاً تنها یک‌ه‌سوار جشنواره، منوچهر شاهسوری می‌تواند دلایلی برای این انتخاب توضیح دهد. در جایی علت این انتخاب‌ها را مغایرت با آیین‌نامه جشنواره خوانده بود که لاقابل‌آنچنان قانع‌کننده به‌نظر نمی‌رسد. جشنواره فجر در طول سال‌های اخیر گویا هر دوره بیشتر می‌کوشد تا بدون اینکه دست به تغییر و تحوّل بزند، صرفاً تداوم نیمه‌جانش را حفظ کند. نمایش ۲فیلم خارج از مسابقه امسال هم جزئی از همین واقعیت است.